

نقش تربیت در ظهور

مقدمه:

یکی از بارزترین وجوه اسلام بر دیگر ادیان ابراهیمی این است که خدا در اسلام خودش تربیت را بر عهده گرفته و این امر را اعلام کرده است. خداوند در انجیل، آب (پدر) معرفی شده است اما در قرآن «رَب» به معنی مربی و پرورش دهنده است. آموزش امری همگانی است (چه کافر و چه مؤمن) اما در امر تربیت و پرورش، صحبت سر صلاحیت است. مربی اصلی خداوند است هرچند در این بین واسطه‌هایی وجود دارد و آنها هم به نوبه‌ی خود با ارزش هستند.

مسئله‌ی تربیت، ولایت می‌آورد.

یعنی مربی‌ها (پدر و مادر، معلم، انبیاء و...) بر انسان ولایت پیدا می‌کنند حتی پیامبران هم از موضوع تربیت مستثنی نیستند مثلاً حضرت ابراهیم با قبول شدن در آزمون‌های خداوند، مرحله به مرحله کامل تر شد تا اینکه در اواخر عمر به بالاترین درجه [مقام امامت] رسید. اساساً امتحان و بلا برای تربیت است و هرکس به اندازه‌ی درجه و ادعایی که دارد امتحان می‌شود، جمله‌ی «حَسَنَاتُ الْأَبْرَارِ سَيِّئَاتُ الْمُقَرَّبِينَ»؛ «کارهای نیکِ ابرار برای مقربین، گناهان است.» (کشف‌الغمه فی معرفه‌الأنمه، ج ۲، ص ۲۵۴)

به این امر اشاره دارد. امر تربیت برای همه‌ی افراد در هر شغل و کسوتی لازم است به همین دلیل اصول دین که اصول تربیتی ماست، تقلیدی نیست و هرکس باید خودش با تحقیق به آنها برسد اما در مورد احکام، مجاز به تقلید هستیم. ما در فقه فردی، بسیار قوی هستیم اما فقه اجتماعی و سیاسی ما هنوز جای کار دارد و در این موارد باید از رفتار و سیره‌ی اهل بیت الگو بگیریم.

نمونه‌هایی از رفتار پرورش دهنده‌ی ائمه:

- از رفتار امام حسین در مذاکره با عمر سعد می‌توان درس‌های بسیاری در مورد نحوه‌ی گفتگو با دشمن گرفت. امام حسین همراه با مردان مُسَلَّح به خیمه‌ی مذاکره رفتند چراکه به دشمن

اعتماد نداشتند. از هیچ بده‌بستانی و معامله‌ای صحبت نکردند و موضوع، حول پیوستن عمر سعد به لشکر امام بود. امام ابتدا با قاطعیت و جدیت (وای بر تو ای عمر) و سپس با استدلال، سعی در قانع کردن عمر و متذکر شدن او داشتند هرچند در نهایت عمر سعد راهی جز شهادت و سعادت را برای خود انتخاب کرد. رفتار ایشان با حُر نیز با قاطعیت همراه بود. جمله‌ی تند امام به حُر (مادرت به عزایت بنشیند) و یادآوری اینکه امام حسین فرزند چه کسی است، باعث تذکر و تربیت حُر شد.

• امام علی که در برخورد با کودکان و یتیمان و مظلومان بسیار دقیق بودند و از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کردند در برخورد با منافقین و کفار با قاطعیت و شدتِ عمل رفتار می‌کردند. اهل بیت همواره بسیار مراقب عملکرد خود بودند زیرا رفتار و سیره‌ی آنها برای شیعیان سند، الگو و ملاک است به همین دلیل وقتی مروانِ حَکَم را در کودکی برای نام‌گذاری نزد پیامبر آوردند، پیامبر او را وزغ‌ابن وزغ خطاب کردند تا در آینده با استناد به اینکه پیامبر نام او را برگزیده، چهره‌ای موجه از خود نسازد. فهم سیره‌ی اهل بیت به اندازه‌ای مهم است که اگر سیره‌ی اهل بیت را نفهمیم، قرآن هم برایمان سودمند نیست تا جایی که قرآن می‌فرماید: «وَنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا»؛ «و ما آنچه را برای مؤمنان مایه‌ی درمان و رحمت است از قرآن نازل می‌کنیم [ولی] ستمگران را جز زیان نمی‌افزاید.» (اسراء / ۸۲)

یعنی قرآن هدایتگر موجب گمراهی افراد بیگانه با سیره‌ی اهل بیت می‌گردد. وقتی رفتار و کردار اهل بیت را به درستی درک نکرده‌ایم چطور می‌توانیم ادعای انتظار مهدی موعود را داشته باشیم؟ اگر مردم تربیت نشوند به جامعه‌ی ظهور نخواهند رسید.

معیار تربیت؛ قرآن و سیره‌ی اهل بیت:

باید برای تربیت شدن و تربیت کردن سعی و تلاش کنیم پس ابتدا باید معیار تربیت یعنی قرآن و سیره‌ی اهل بیت را بشناسیم. خداوند در این راه اینگونه به ما کمک می‌کند که ۱۴ انسان کامل به ما معرفی می‌کند تا آنها را الگو و مبنای زندگی خود قرار دهیم و شبیه آنها شویم. ما به هیچ‌وجه نمی‌توانیم کاملاً مانند آنها شویم اما می‌توانیم تا بی‌نهایت به سمت آنها میل کنیم همانند حضرت ابوالفضل که بی‌نهایت و بسیار شبیه امام حسین شد البته فراموش نکنیم که این ۱۴ وجود نورانی هم به واسطه‌ی امتحاناتی که پس داده‌اند به این مقامات رسیده‌اند. در زیارت‌نامه‌ی حضرت زهرا می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا مُتَحَنَّةً، امْتَحَنَكَ الَّذِي خَلَقَكَ فَوَجَدَكَ

لَمَّا امْتَحَنكَ صَابِرَةً؛ «سلام بر تو ای آزموده شده، آن که تو را آفرید، آزمودت پس تو را به آنچه آزمود، شکیبایافت.» خدا در آیهی ۲۴ سورهی سجده به صبر به عنوان یکی از این امتحانات اشاره می‌کند: **«وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ»**؛ «و چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند، برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند.»

معیار تربیت، قرآن و سیره‌ی اهل بیت است و قرآن بدون اهل بیت، گویا نیست.

به همین دلیل امام علی فرمودند: «قرآن را به نطق بکشید» در غیر این صورت عده‌ای مانند جنگ صفین با همین قرآن جلوی اهل بیت می‌ایستند. وقتی حضرت موسی برای نزول و گرفتن تورات به کوه طور رفت، مردم در نبود او گوساله پرست شدند. قرآن اولین عکس‌العمل حضرت موسی بعد از بازگشت و مواجهه با این انحراف را انداختن الواح تورات بیان می‌کند: **«وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَحَ...»**؛ «و چون موسی، خشمناک و اندوهگین به سوی قوم خود بازگشت، گفت: «پس از من، چه بد جانشینی برای من بودید! آیا بر فرمان پروردگارتان پیشی گرفتید؟ و الواح را افکند.» (اعراف / ۱۵۰)

حضرت می‌خواست با انداختن تورات به آنها بفهماند که تورات بدون موسی و هارون (ولی معصوم) هیچ دردی از بنی اسرائیل دوا نخواهد کرد. حرف خدا را تنها باید از نماینده‌ی خدا و معصوم گرفت در غیر این صورت ماجرای داعش پیش می‌آید که با استناد به قرآن سر می‌برند. تربیت به زبان امروزی یعنی حکم افسر بر چراغ راهنما أرجح است و حکم امام بر قرآن زیرا اهل بیت قرآن را حفظ هستند و کاتبان و حافظان قرآن‌اند.

سخن پایانی:

تمام حرف سر تربیت است؛ تربیت مردم با معیارهای اهل‌بیتی. در دوره‌ی غیبت، امتحانات و غربال‌ها روز به روز سخت‌تر می‌شود پس لازم است مردم به بصیرت مجهز شوند در غیر این صورت به ظهور نمی‌رسیم. نباید سکوت کنیم باید حرف حق را به مردم بگوییم و مردم را تربیت کنیم البته براساس ثقلین (سیره‌ی اهل بیت و قرآن). گفتگو و توجیه مردم اصولی دارد مثلاً توهین نکنید به نرمی و ملایمت صحبت کنید. خدا به حضرت موسی و هارون می‌گوید اینگونه با فرعون رفتار کنید: «با او با کمال آرامی و نرمی سخن گوید، باشد که متذکر شود یا (از خدا) بترسد (و ترک ظلم کند)» (طه / ۴۴)

باید با استدلال با مردم صحبت کنیم. امام حسین با همین روش، زُهِیرِ عثمانی مذهب را توجیه و هدایت کرد. به مردم تذکر بدهید با زبان خود مردم با آنها گفتگو کنید. اکثر مردم جامعه‌ی ما قشر خاکستری هستند که باید آرام آرام اقناع شوند از اشتراکات و نکات مثبت شروع کنید. سیره‌ی پیامبر سرشار از این اتفاقات است. پیامبر با همین روش، اعراب جاهلی را تربیت کردند مثلاً با تجلیل از مهمان‌نوازی اعراب، آنها را به زشت بودن زنده‌به‌گور کردن دختران از ترس فقر متذکر می‌شدند. باید حق را به مردم معرفی کنیم تا مردم گمراه نشوند. امام علی فرمود: «إِنَّ الْحَقَّ لَا يُعْرَفُ بِالرِّجَالِ، اعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفَ أَهْلَهُ»؛ «حق به افراد شناخته نمی‌شود؛ خود حق را بشناس تا پیروان آن را بشناسی.» (أمالی، مفید، ص ۵)

سخنرانی استاد رائفی‌پور

موضوع: نقش تربیت در ظهور

خلاصه و چکیده سخنرانی استاد رائفی‌پور، آبان ۹۴ تهران

تهیه شده در واحد مهدویت مؤسسه مضاف، مهدیاران [@Mahdian](https://www.mahdian.com)